

متن پرسش

سلام: خدای کامل نهایت پذیر را پذیرا باشید مقصود از بی نهایت بودن خدا اینست که همانطور که اعداد انتهایی ندارند کمالات حق هم همینطور تمامی ندارند؟ این مطلبیست که ذهن من با آن مشکل دارد و به نظرم بینهایت بالفعل استحاله عقلی دارد. خداوند هرچه کمالست را داراست ولی لزومی ندارد کمالات بینهایت باشند. فرض کنید کمالات هزار تا باشد حق هر هزار تا را دارد و کمال هزار و یکم عینا و عقلا وجود ندارد که نداشتن آن نقصی بر ذات حق لازم آورد. در روایات هم آمده که «لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَخْدُودٌ» خدا حد ندارد و جایی ظاهرا نفرمودند که نامحدود است و این دو تفاوت دارد فرض کنید فردی هر چه طلا در جهانست را دارا باشد درین حال می‌گوییم طلا داشتن او حدی ندارد یعنی طلایی خارج از مالکیت او نیست و یک طلا هم نمی‌یابیم که خارج از ملکش باشد و مالکیت او را حد بزند. اما این به معنای این نیست که طلاهای او بینهایت به معنای فلسفی و ریاضی آن باشد ۱۰۰۰ سکه بود هر ۱۰۰۰ تا مال اوست البته یک تفاوت دارد و آن اینست که دراین جا می‌توان هزار و یکمین سکه را متصور شد اما در خدا نه، هرچه هست را داراست و عقلا فوق آنچه حق دارد چیز دیگری نیست اما کمالات بدلیل استحاله بینهایت بالفعل، نامحدود به معنی فلسفی و ریاضی آن نیستند و اشاره به این مطلب را در دو جا بنظر می‌توان یافت یکی در بحث قدرت که می‌گویند به محالات تعلق نمی‌گیرد پس می‌توان گفت قدرت حق حد خورده است؟ هر توجیهی بکنید باز عقل انسان می‌گوید حد است عزیزم. حد مگر آنکه این تعلق قدرت را کمال ندانید و دیگری در قرآن مجید که ابتدا و پایانی برای حق قائل می‌شود «هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن» درود بر قرآن بخوبی مطلبم را در نهایت ایجاز بیان می‌کند و این اعجاز خداوند نهایتمند است. می‌فرماید خدا با اینکه ابتدا و انتهایی دارد اما همه کمالات ظاهری یعنی هرچه عینا هست و باطنی یعنی آنچه عقل بتواند متصور شود را داراست. نهایت دارم اما حد ندارم کمالی بیش تر از خود ندارم. نباشم بی نهایت چون محالست / نهایتمندیم عین کمالست

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آیا اگر به ذاتی فکر کنیم که عین وجود و بالتبع عین کمال است، باز می‌تواند بی‌نهایت بالفعل برایش استحاله‌ی عقلی داشته باشد؟ در حالی که ذاتش عین آن کمالات مثل حیات و قدرت است؟ موفق باشید